

بررسی نقش و جایگاه زنان در شاهنامه طهماسبی (دوره صفوی) و استفاده از آنها جهت طراحی لباس

گروه طراحی دوخت، دانشکده هنر و معماری، مؤسسه آموزش عالی آپادانا،
شیراز، ایران

غزل آزاد *

چکیده

بیان مساله: زن در شاهنامه آمیخته‌ای است از: خردوی، عفاف و زیبارویی. این سه خصلت بانوان شاهنامه را سرآمد تمامی بانوان حماسه‌ها میگرداند و فردوسی، در جای جای اثر خویش این ویژگی‌ها را ستایش کرده است. جایگاه زنان در دوره‌های مختلف تحت تأثیر دگرگونی‌های جامعه‌ای که در آن زندگی میکنند، قرار دارد. با بررسی پژوهش‌های مختلف بینیم زنان در شاهنامه چه نقشی دارند؟ و جایگاه آنها تا چه اندازه پررنگ است.

هدف: در این پژوهش به بررسی جایگاه و نقش زنان در شاهنامه صفوی میپردازیم و با بررسی لباس‌های زنان شاهنامه صفوی و استفاده از المان‌های لباس آن‌ها، لباس‌های مدرن زنانه طراحی میشود.

یافته‌ها: شاهنامه یکی از شاهکارهای تاریخ و ادبیات ایران است. بررسی نقش زنان در شاهنامه فردوسی و واتب چهره آنها در آن، جزو بحثهایی است که همیشه مورد مناقشه اهل فن و تحقیق بوده است. از دیدگاه داستان نویسی نوین تاکنون تحقیقات مختلف و درخور توجهی درمورد شاهنامه انجام شده است، اما آنچه توجه ما را جلب کرده چگونگی پردازش شخصیت زنان در این اثر حماسی است. در شاهنامه، ما زندگی زنانی را میخوانیم که تأثیر عمیق و عجیبی در ایجاد بعضی از وقایع و حوادث دارند.

روش تحقیق: جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از سایت‌های معتبر و بررسی مقاله‌های پژوهشی و تحلیل جداول و تصاویر و نگاره‌ها انجام گرفته است

کلیدواژه‌ها: شاهنامه طهماسبی، زنان، صفوی، جایگاه زنان

مقدمه

شاهنامه یک اثر حماسی به شمار می آید اما فردوسی توانسته با هنرمندی بی نظیر، مسائلی چون خانواده، زن و عشق را به شکل زیبایی در داستان‌های حماسی خود قرار دهد، به گونه ای که هیچ کدام از داستان‌های او بدون حضور زن و عشق او خاتمه نمی پذیرد. فردوسی از یک سو در اشعار خود احترام و ارزش زیادی برای زنان قایل است و از سوی دیگر برخی ابیات او در جدال و ناسازگاری با زن می باشد. با این حال زنان، تقریباً در همه ی داستان‌های شاهنامه، یا به طور مستقیم و یا غیرمستقیم حضور دارند و این نشان از ارزش و احترامی است که فردوسی برای زنان قائل شده است. زن آینه جمال الهی و نمادی از زیبایی و ظرافت است. او هم نسبت به خود و هم نسبت به دیگران سرشار از محبت و مهربانی است. احساس زن به خود همانند یک طیف می ماند که یک سر این طیف کامل مثبت و طرف دیگر کامل منفی می باشد. فردوسی با خبرگی از عناصر داستانی برای هر چه زیبا تر شدن اثر خود از شخصیت پردازی استفاده کرده است. زن در شاهنامه با وجود جایگاه خاصی که دارد اما نقش کمی نسبت به مردان دارد. در شاهنامه، ما زندگی زنانی را میخوانیم که تأثیر شگفت آور و عجیبی در ایجاد بعضی از وقایع و حوادث دارند. در شاهنامه، به جز چند مورد خیلی کم، ما شاهد فعالیت گسترده زنان هستیم و با توجه به جامعه مردسالاری آن دوره، چنین توجه به زن و مادر بسیار دلچسب به نظر می رسد. تنوع نقش زنان در شاهنامه به طور یست که تقریباً تمام جهت های حضور یک زن در یک اجتماع را داراست. زنانی مانند سیدخت، رودابه، کتایون، تهمنه، همای، گردآفرید و منیژه علاوه بر نقش مادر و همسر، گاه در جنگ مانند مردان مبارزه میکنند، به عنوان سفیر به کشورهای دیگر فرستاده شده و گاهی خود پادشاه میشوند و حکومت را به دست میگیرند. و گاه نیز سر از فتنه اندازی در میآورند. (قدیانی، ۱۳۹۹، صص ۲-۳) با تثبیت حکومت صفویان و اقدامات بنیادی شاهان صفوی، شیعه رسمی کردن مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور، تکوین و برپاسازی حکومت مرکزی جامعه ایران، همگام با دگرگونی‌های اروپا، تحولات اساسی را در سیاست، فرهنگ و هنر تجربه کرد؛ همچون: تغییر افکار جامعه به نقش و جایگاه زن در عرصه اجتماعی این دوره. برخی از زنان تأثیر گذار خاندان صفوی در سده دهم ه.ق ایران، نقش مهمی در ترقی هنر در ایران داشتند. آنها وقفی‌های بسیاری برای مصارف فرهنگی و مذهبی از خود به جای گذاشته اند. شاه طهماسب علاوه بر این که فردی هنرپرور و هنرمند بود، در مرحله‌ای از زندگی خویش تغییر رویه داد و به فردی خشن، و غاصب هنر و هنروری تبدیل شد. زنان نیز در این برهه به خاطر دیدگاه خاص و تعصب شاه با محدودیت‌هایی رو به رو شدند. در این زمان بود که زنان وابسته به دربار و طبقه نجیب‌زادگان خانه نشین شدند. زنان درباری و اشراف اغلب در حرمسراها عمر میگذراندند و ارتباطات اجتماعی آنها به شدت اندک شد. البته فعالیت‌های خارج از خانه و در چارچوب ارزشها و با حفظ حریم در خارج نیز انجام می شد و به سبب روحيات لطیف انجام دادن امور مرتبط با فرهنگ و هنر از فعالیت‌هایشان بود. به طور مثال، خواهر شاه طهماسب، سلطان خانم، فردی تأثیر گذار و حمایتگر بود و وی در سال‌های ۹۶۲-۹۶۳ ه.ق، امر وقف به نام چهارده معصوم را رونق داد. همچنین، شاهزاده‌های دیگر نیز از هنر حمایت میکردند. (انصاری یکتا، احمدی پیام، ۱۳۹۳، صص ۷-۸)

پیشینه پژوهش

در خصوص این موضوع میتوان به مقاله با عنوان «بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویرشده در شاهنامه بایسنقری و شاه نامه طهماسبی» نویسنده مریم انصاری یکتا و رضوان احمدی پیام در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده اشاره کرد که در مورد حکومت صفویه توضیحاتی داده شده است. در تحقیقی دیگر با موضوع «خوانش شخصیت زنان در شاهنامه عامیانه ۹۴۸.ق/ ۱۵۴۰م مکتب تبریز ۲ با روش پانوفسکی (۱۴۰۰)» که توسط الهه مروج و همکاران نگاشته شد در مورد شخصیت و نقش زنان و جایگاه زنان شاهنامه طهماسبی توضیحاتی داده شد. در پژوهشی با عنوان مطالعه تطبیقی بازنمایی زنان در مکتب اصفهان دوره صفوی با پیکرنگاری درباری قاجار (۱۳۹۳) به نویسندگی ندا تولایی و ماه منیر شیرازی فقط از حالات و مدل لباسهای زنان شاهنامه در طراحی لباس الهام گرفته شد.

تاریخچه شاهنامه

شاهنامه از آغاز آفرینش مورد توجه و حمایت پادشاهان و عالی مقامان بوده و در ادوار مختلف، به فرمان آنها، نسخه قیمتی و گرانبهایی از آن به دست برترین هنرمندان هر عصر ساخته شده است. در تاریخ نگارگری ایران، سه نسخه شاهنامه اهمیت خاصی دارند؛ شاهنامه بزرگ مغول (دموت) مربوط به پایان دوره ایلخانی، شاهنامه بایسنقری متعلق به دوره تیموری و شاهنامه شاه طهماسبی (هوتون) مربوط به اوایل دوره صفوی (صالحی کیا، شاطری، ۱۳۹۸، ص ۲)

شاهنامه طهماسبی

ایران در عصر صفویه توانست مجدداً پس از گذشت قرن‌ها تحت لوای پادشاهی ایرانیان قرار بگیرد و شاهان صفوی توانستند وحدت ملی را در کنار وحدت دینی میان میان ایرانیان برپاکنند. از این رو عصر صفویه یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی است که زنده سازی هویت ملی و فرهنگی در مرکز توجه تاریخ نگاران و شاهان صفوی قرار گرفت و شاهنامه را که در برگرنده عناصر هویت ساز ملی و فرهنگی است، برای این هدف انتخاب کردند. در عصر صفوی، ایران مورد هجوم بیگانگان بسیاری قرار داشت که مهم‌ترین آنها ترکان عثمانی و ازبکان بودند، دشمنانی که با هجوم پی در پی خود خواستار تصاحب و حکمرانی بر ایران بودند. از این رو شاهان صفوی و نگارندگان متون تاریخی تصمیم گرفتند تا هویت ایرانی را در کنار هویت دینی و یکپارچگی مذهب تشیع، ترویج و احیا سازند. عصر صفوی متون تاریخی را داراست که بنیان گذار این سلسله شاه اسماعیل اول و پادشاهان بعدی صفوی تا شاه عباس کبیر و انقراض این دولت ملی را در برمیگیرد؛ عبارت است از: ۱- تاریخ عالم ارای صفوی؛ ۲- احسن التواریخ؛ ۳- تاریخ عالم ارای عباسی؛ ۴- نقاوه الآثار؛ ۵- مجمع التواریخ و ۶- فتوحات شاهی. متون تاریخی ذکر شده، شامل تشریح اتفاقات آغاز تا پایان دودمان صفوی می شود و بنابراین اطلاعات مناسب و کاملی از عملکرد شاهان صفوی و مولفان کتب تاریخی در قبال هویت ایرانی نشان می دهد. (محمد زاده، ۱۳۹۲، صص ۱-۲-۳) فرزند شاه اسماعیل، طهماسب، بعد از مرگ پدر و در ۱۱ سالگی، به سلطنت رسید، البته او تا سال ۹۳۰.ق، که به حکومت رسید، در هرات ماند و سپس به تبریز رفت. شاه طهماسب مردی ادیب، با هوش و ذکاوت و تجربه در کارهای معلق سیاسی بود. شاه طهماسب تا سال ۹۸۴.ق در ایران فرمانروایی کرد و خود نیز نقاشی حاذق و توانا بود و هنر صورتگری را ابتدا از کمالالدین بهزاد و سپس از سلطان محمد آموخته بود. شاهنامه طهماسبی با ۲۸۵ نگاره در دربار شاه طهماسب تدوین شد و از ممتازترین دستاوردهای هنر تصویرگری در عهد صفویه است. هماهنگی عناصر و ترکیب بندی آنها دامنه گسترده رنگی، کیفیت اثر به لحاظ اینکه یک اثر درباری است و میزان کاربست طلا در آن از مواردی است که بر تمایزش در میان دیگر آثار هنری تأکید میکند. در نگاره‌های این نسخه، تنوع اشخاص و جانوران یا گیاهان و صخره ها و گاهی

نیز معماری بناها، تنوع و تعدد رنگی را هم ایجاب میکند؛ ولی این تنوع به هیچ عنوان آزاردهنده نیست، بلکه به بیننده کمک میکند تمام بخش‌های نگاره را بهتر ببیند. شاهنامه طهماسبی، پس از مرگ شاه اسماعیل، در کارگاه‌های تحت حمایت و توجه شاه طهماسب به انجام رسید و به این ترتیب به نام وی نامگذاری شد. درواقع، میتوان گفت فرهنگ ایران در این دوران وارد عرصه جدیدی از شکوه و عظمت هنری شد. (انصاری یکتا، احمدی پیام، ۱۳۹۳، صص ۵-۶) شاه عباس و شاه اسماعیل در میان شاهان صفوی، هر یک به نوبه خود در جهت رواج و گسترش سنت فرهنگی ایرانیان در میان افراد جامعه، تلاش بسیاری انجام می‌داده‌اند و این امر را با نشان دادن علاقه خود به شاهنامه و شاهنامه خوانی نمایان می‌ساختند. شاهنامه طهماسبی، نمونه خوبی است که تلاش شاه اسماعیل برای تقویت بعد فرهنگی هویت ملی را به نمایش می‌گذارد. اهمیت این شاهنامه در انجاست که شاه اسماعیل در زمانی دستور به تهیه چنین هدیه بزرگی برای فرزند ارشد و جانشین خود، طهماسب داد که اطراف او را سربازان قزلباش از نسل توران گرفته بود و شاهنامه، داستان پهلوانی رستم در برابر تورانیان و دور نگه داشتن آنان از دست درازی به ایران زمین بود. (محمد زاده، ۱۳۹۲، ص ۶)

شخصیت زنان شاهنامه

زنان شاهنامه دارای شخصیت‌های متنوع و گوناگونی هستند. «توصیفها و تصویرسازی‌های فردوسی از شخصیت‌های شاهنامه به گونه‌ای است که با قیاس آنها و نظریه‌های شخصیت‌شناسی در دانش روانشناسی، می‌توان به نوع شخصیت روان‌شناختی ایشان پی برد». برخی زنان دارای شخصیت‌های پیچیده‌ای هستند که در هر داستان، بنا بر شیوه آن داستان و همچنین ویژگی‌های شخصیت خود آنها، به شکل‌های گاهی ثبت و گاهی منفی بروز می‌یابد. اکثر زنان شاهنامه دارای منش و رفتار مثبت و قابل توجهی هستند و حتی برخی که خصلت بد و زشتی هم دارند، منش‌ها و اخلاق خوبشان بر آن بدی غالب می‌شود. در بین زنان مهم شاهنامه تنها سودابه است که بدکاری او را به هیچ وجه نمی‌توان از یاد برد و دیگران یا مثبت‌اند و یا ویژگی‌های مثبت‌شان بر ویژگی‌های منفی‌شان چیرگی دارد. (نقی، ۱۳۹۰، ص ۵) زن در شاهنامه بازیچه هوس قرار نمی‌گیرد، هیچ رابطه غیراخلاقی به چشم نمی‌خورد، غیر از سودابه که آنجا هم با مخالفت از سوی سیاوش مواجه می‌شود. آنها حتی گاهی به خاطر شوهر و فرزندانشان دست از خانه و خانواده خود میکشند. نمونه بارز اینگونه زنان در شاهنامه فرنگیس است که به خاطر حفظ جان فرزند و وفاداری به شوهر از پدر و سرزمین خود دست کشید؛ و دختر قیصر روم، کتایون، که به خاطر عشق به گشتاسپ از زندگی اعیانی و آسایش و راحتی دست کشید. در شاهنامه زنان تقریباً به هم شبیه‌اند، گرچه سرنوشت‌های متفاوتی دارند. (یحیی پور، نوروزی، ۱۳۸۶، ص ۸)

بیشتر زنان شاهنامه بانوان عاشقی هستند که در برابر عشق پیشگام و بی پروا می‌باشد و هیچگونه پنهانکاری غیرضروری را در بیان احساساتشان برای خود نمی‌پسندند. و هیچ گونه غرور دروغین یا بزرگواری غیرلازمی را نشان نمی‌دهند و نمی‌توانند اشتیاق واقعی خویش یا شور و شوقی برآمده از نیروی جوانی و لطف طبع را در وجود خود پنهان نگاه دارند. تهمینه نادیده بر رستم دل می‌بندد و انگاه که رستم در منزل خویش مهمان می‌یابد نیمه شبان اهسته به درون اتاق دلاور می‌رود تا خود را از آن او نماید. این جسارت چنان با بیگناهی همراه است که کمتر شایه‌ی دریدگی و هرزگی بر جای نمی‌دهد:

ترا ام کنون گر بخواهی مرا
نیند جز این مرغ و ماهی مرا
یکی ان که بر تو چنین گشته ام
خرد را ز بهر هوا کشته ام

(کزازی، کریمی، ابراهیمیان، ۱۳۹۱، صص ۹-۱۰)

جایگاه کلی زنان صفوی

زنان در این دوره از حقوق و امتیازاتی بهرمند بودند؛ به گونه ای که اگر زنی نزد سلطانی میرفت و از او درباره جزای خود یا خویشاوندانش گذشت میخواست، به احترام زنان، اگر جرم کوچک بود، بخشوده میشد. همچنین، در بالای بیشتر فرامین شاهی این دوران مینوشتند: «به فرمان سلطان خواتین...» زنان طبقات پایین در روابط اجتماعی خود آزادتر بودند. در خانواده‌های روستایی، زن مسئول نگهداری و تربیت فرزندان و رسیدگی به امور کشاورزی بود. زنان عشایر علاوه بر کار خانه، به دامداری نیز مشغول بودند. (انصاری یکتا، احمدی پیام، ۱۳۹۳، ص ۸)

جایگاه مادران صفوی

در «شاهنامه» - خصوصاً قسمت اساطیری - همه مادران مهربانند. کودکان خویش را با به جان خریدن هر سختی نجات میدهند و بزرگ میکنند. از آنها در برابر رویدادهای ناگوار دفاع میکنند، همیشه دلنگران آنها هستند، در پی پند و اندرز آنها بر میآیند، پس از مرگشان بسیار سوگواری میکنند و به کارهایی حیرت آور دست میازند. (بهجت، فراهادی، ۱۳۹۱، ص ۱۲)

مادران در تمام گروه‌های مختلف اجتماع از موقعیت بالایی برخوردار بودند و در بعضی موارد شأن و مقام همانند مردان و پدران داشتند. حتی برخی سلاطین صفوی آنچنان برای مادر خود ارزش قائل بودند که پس از مرگ، جسد آنان را در آرامگاه خانوادگی در کنار پدر قرار میدادند. (مروج، کاتب، موسوی لر، ۱۴۰۰، ص ۱۶)

جایگاه زنان در دربار صفوی

در خصوص تحولات فرهنگی هنری و اجتماعی دوره صفوی منابع منتشر شده بسیار است؛ اما منابع اندکی به بررسی جایگاه زنان در این دوره پرداخته اند که بیشتر در سفرنامه‌های سیاحان یا کتاب‌های جامع تاریخی میتوان مشاهده کرد. از سوی دیگر پژوهش‌های زیادی درباره زنان موجود است که اغلب به صورت موردی به زنان ایرانی و تصاویر آنها در نگاره‌ها پرداخته‌اند؛ اما در این منابع، به مطالعه نقش زنان در نگاره‌ها زیاد پرداخته نشده است. (مروج، کاتب، موسوی لر، ۱۴۰۰، ص ۴) زنان ایرانی در ابتدای حکومت صفویان حضور پررنگتری در جامعه داشتند. بدین صورت که در مراسم‌های رسمی شاه با همسرش حضور پیدا میکرد و زنان حتی در جنگ‌ها نیز طبق سنت ترکمانی همپای شوهران خود می‌جنگیده‌اند. با گسترش شهرنشینی زنان، به خصوص زنان درباری، در محدوده خانه و حرماً محصور شدند. این زنان در فضاهای عمومی شهر کمتر رفت و آمد داشتند و زمان عبورشان از این فضاها، مسیر قرق میشد. زنان طبقات پایین در روابط اجتماعی خود آزادتر بودند و به گشت و گذار در شهر و حضور در مراسم‌های مختلف مشغول بودند. قابل ذکر است که در زمان صفوی زنان دربار شامل دختر، مادر و زنان شاه در اولویت و اهمیت بودند حتی در سفرنامه‌ها بیشترین سخن از زنان دربار است. (همان، ۱۴۰۰، صص ۱۳-۱۴)

جایگاه زن جنگجو در صفوی

زنان در زمان شاه اسماعیل صفوی مانند مردان در اسب سواری ماهر بودند و گاهی در جنگ‌ها شرکت میکردند در بسیاری از سفرنامه‌ها اشاره به زنان دلیر و جنگجو میشود. سانسون در سفرنامه‌اش اشاره میکند به زنانی که همراه شاه به میدان نبرد میروند و مانند مردان جنگی کار آزموده‌های هستند که سواری و تیراندازی میکنند. از سوی دیگر در زمان صفوی، زنان طبقه عالی و زنان و دختران شاه به شکار میپرداختند که نیازمند کاربرد تیرو کمان و حتی تفنگ است. (مروج، کاتب، موسوی لر، ۱۴۰۰، ص ۱۵) زن در شاهنامه «در هنگام نیازی محافظت از خاک کشورش مستقیم در می‌پوشد و سوار بر اسب در میدان کارزار، برای دفع دشمن شرکت می‌کند و چون شیری شرزه در برابر دشمن وطن به مبارزه بلند می‌شود». برای نمونه به نقش آفرینی گردآفرید میتوان اشاره کرد: «وی در پادشاهی کیکاووس و در هنگام حمله سهراب به ایران در نبود جنگاوری که با وی پیکار کند، لباس مردان بر تن کرده و در نبرد با سهراب

حاضر میشود. او زنی کارزار آزموده، شیردل، زیباروی، شایسته و کاردان، باهوش و خوش کلام است و از زن بودن خود به عنوان حربه ای برای حفظ میهنش استفاده میکند.

زنی بود بر سان گردی سوار	همیشه به جنگ اندرون نامدار
کجا نام او بود گرد افرید	زمانه ز مادر چنین ناورید
چنان ننگش آمد ز کار هجیر	که شد لاله رنگش به کردار قیر

خالقی مطلق در مورد وی مینویسد: «گردآفرید نخستین شیرزن در حماسه ملی ایران است. این زن دوست داشتنی، جسور و حيله گر اثری بسیار ماندنی از خود بر جای مینهد. وی یکی از فریبده ترین زنان در شاهنامه به شمار میآید. میتوان او را نمونه یک زن راستین ایرانی دانست» گردیه یکی از زنان دلیر و نامدار شاهنامه، خواهر و به احتمال زن بهرام چوین است. به نظر صفا این زن در شاهنامه «نمودار کامل عقل و دانش و میهن پرستی و پهلوانی و چالاکی است. گردیه اگر چه زنی شجاع و بی باک است و پهلوانی و شجاعت او در جنگ با تبرک به خوبی مشخص است ولی با این وجود، رفتار او در مقابل شوهر خود، گسته‌م، و پیوستن به مشکوی قاتل برادر خود، خسرو پرویز، وی را در چشم مخاطب از جذابیت میاندازد و او را نمونه زنی بی وفا، خائن و هوسباز نشان میدهد. پس از مرگ بهرام چوین، خاقان چین از گردیه خواستگاری کرد. اما گردیه که همسری با خاقان را شایسته خود نمی دانست، تصمیم گرفت پنهانی از چین بره ایران بازگردد. پس گردیه ۱۱۶۰ دلاور را برگزید و شبانه عازم ایران شد. خاقان برادر خود را به دنبال او فرستاد. پس از چهار روز لشکر خاقان به لشکر گردیه رسید. زن شیردل چون سپاه را دید سلاح و پیرهن بهرام را پوشید و به میدان رزم با سرعت تاخت.

سلیح برادر بیوشید زن نشست از برباره گامزن

(پور مجیدی فتح، درخوش، ۱۴۰۱، صص ۸-۷-۶-۵)

نقش کلی زنان در شاهنامه

یکی از بزرگ ترین اثر حماسی جهان شاهنامه است و از یک اثر حماسی انتظار داریم که صحبت اصلی سازی های مردان باشد. «درست است که به لحاظ کمی حجم بسیار کمتری از شاهنامه به زنان در مقایسه بره مردان اختصاص یافته، ولی نقش برجسته آنان را در بسیاری از داستان های شاهنامه به هیچ روی نمی توان نادیده پنداشت». «شاهنامه یک کتاب ضد زن نیست، در دوران پهلوانی از سودابه که بگذریم، هی زن پتیاره دیده نمی شوند. برعکس، تعدادی زن بسیار بزرگوار هستند که نظیر آنها را از جهت رنگارنگی و مطلوبیت، نه تنها در آثار دیگر فارسی، بلکه در آثار بزرگ باستانی سراسر کشورها نیز نمی توانیم ببینیم. اکثر زنان شاهنامه نمونه بارز زن تمام عیار هستند. در عین برخورداری از فرزانی، مناعت و حتی دلیری، از ذات زنانه به نحو سرشار نیز بهره مندند». و اگر بخواهیم نظر واقعی فردوسی حکیم را درباره زن بدانیم سزاوار است که آیات زیر را از نظر بگذرانیم. آنجا که میگوید:

اگر پارسا باشد و رای زن	یکی گنج باشد، براکنده، زن
به ویژه که باشد به بالا بلند	فروشته تا پای مشکین کمند
خردمند و هوشیار و با رای و شرم	سخن گفتنش خوب و اوای نرم

و:

چو فرزند را باشد آیین و فر گرامی به دل بر، چه ماده، چه نر (همان، ۱۴۰۱، صص ۲-۳)

زینب یزدانی نقش زن شاهنامه را فاعلانه می داند: «در میان ادبیات منظوم گذشته، شاهنامه تنها کتابی است که زن نقش اساسی و فاعلانه در آن ایفا می کند. در شاهنامه زندگی زنانی را می خوانیم که تأثیر شگرف و عجیبی در ایجاد بعضی از وقایع و حوادث دارند». «تنوع و نقش آفرینی زن در شاهنامه به گونه ای است که تقریباً بیشتر نقش های زنانه ممکن

در یک اجتماع کهن را در بر می گیرد که البته در این میان غلبه با نقش های مثبت است؛ البته اگر منظور شخصیت های متنوع باشد درست تر است تا نقش های متنوع؛ زیرا نقش زنان شاهنامه بیشتر درباری و متناسب با شخصیت درباری آنهاست. باید در نظر گرفت که شخصیت و نقش زنان در شاهنامه باید با شخصیت و نقش پهلوانان و شاهان و شاهزادگان تناسب داشته باشد؛ چرا که عدم تناسب بین شخصیت های زن و مرد باعث دوگانگی و عدم توازن در داستان ها می شود: «رعایت تناسب شخصیتی بین پهلوانان و دلیر مردان و شاهزادگان مرد، با زنان در شاهنامه بسیار مهم است. توقع همین است کسی که با رستم، سهراب، اسفندیار و پهلوانان دیگر زندگی می کند، باید به لحاظ خصلت های فردی و اجتماعی حداقل با آنها متناسب باشد». (نقی، ۱۳۹۰، صص ۶-۷)

نقش، خود دو نوع است: ۱- نقش یا رلی که هر شخصیت بازی میکند و در داستان آن را برعهده میگیرد، مانند نقش مادری یا شاهزادگی. ۲- نقش یا تأثیری که کنشها و واکنش های (کشمکشها) هر شخصیت در روند داستان دارد که به آن عمل داستان نیز میگویند؛ نقش در معنای اول «role» و در معنای دوم «action» نامیده میشود. باید دانست که شخصیت یک فرد در داستان، از نقش، تأثیر و کنشها و واکنش های او در طول داستان شناخته میشود. (همان، ۱۳۹۰، ص ۳) نقش زنان را در شاهنامه از دو منظر باید مورد بررسی قرارداد:

۱- طول نقش یا مدت زمانی که شخصیت در داستان حضور دارد. ۲- عرض نقش یا میزان تأثیرگذاری شخصیت در طول داستان، که عرض نقش همواره مهمتر از طول نقش است و این میزان تأثیرگذاری شخصیت است که نام او را ماندگار میکند. (قدیانی، ۱۳۹۹، ص ۶)

در شاهنامه زنانی حضور دارند از نظر طول و عرض نقش با هم متفاوتند، چه بسا زنانی که طول نقش زیادی ندارند ولی آنقدر در داستان تأثیر گذارند که نمیتوان آنها را هیچگاه فراموش کرد. مانند فرانک، مادر فریدون، که با از خود گذشتگی و نهایت تلاش و فداکاری جان فرزندش را نجات میدهد و زمینه شکست ضحاک و به حکومت رسیدن فرزندش را فراهم میکند. (نقی، ۱۳۹۰، ص ۳) اگر طبق تقسیم بندی متداول، شاهنامه را به سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی تقسیم کنیم؛ باید گفت حضور زنان شاهنامه در هر دوره با دوره دیگر متفاوت است. به طور کلی زنان دوران پهلوانی مهمتر و دارای نقش های مؤثرتری نسبت به زنان دوره تاریخی و اساطیری هستند به همین دلیل است که مشهورتر نیز هستند. حضور زنان در دوره اساطیری بسیار کم رنگ است و جز فرانک که حضور اثربخش و تعیین کننده ای دارد، همگی در سایه حضور پهلوانان و شاهان گم میشوند. در دوران پهلوانی زنان حضور و تأثیر بیشتری در داستانها دارند. رودابه، سینه دخت، سودابه، تهمنه، گرد آفرید، فرنگیس، جریره، منیژه و کتایون از جمله این زنها هستند. (قدیانی، ۱۳۹۹، ص ۶)

تهمنه و گردآفرید:	سینه دخت و رودابه:	کتایون: داستان پادشاهی گشتاسب و داستان رستم و اسفندیار	گردیه: پادشاهی هرمزد و پادشاهی خسرو پرویز	منیژه: داستان بیژن و منیژه	قیدافه: پادشاهی ی اسکندر	شیرین: پادشاهی خسرو پرویز و پادشاهی شیرویه	سودابه: داستان سیاوش و رزم کاووس با شاه هاماوران
-------------------	--------------------	--	---	----------------------------	--------------------------	--	--

نقش زنان شاهنامه صفوی

شاهنامه کتابی مردانه معرفی شده است؛ اما نباید از وصف زنان بزرگ و برجسته در این شاهکار ادبی غافل شد. میتوانیم ردپای زنان را در تمامی داستان های شاهنامه جستجو کنیم؛ زنانی که با هوشیاری و درایت خویش نقش اساسی در

زندگی و سرنوشت خود داشتند و در دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی عصر خود تأثیرگذار بودند. اگر چه فردوسی بنا به نیازهای زمان خود، زن را با واژه‌های اغراق آمیز تصور نکرده، اما نقش آنها را در ایجاد کانون‌های قدرتمند و بقای آن به خوبی نمایانده است. کلمه زن نزدیک به سیصدبار در شاهنامه به کار رفته است. صفاتی شایسته برای زنان بیان شده است. در دوره صفوی زنان در نگاره‌ها برخلاف آثار دوران قبل از خود، به فراوانی دیده می‌شوند. نقش زنان در دوره صفوی بسیار زیاد است و آنها را در جایگاه‌های والای اجتماعی میبینیم و حضور گسترده‌تر آنها در نگاره‌ها کاملاً آشکار است. در این آثار ما شاهد استفاده نقش زنان در ابعاد و جایگاه‌های مختلفی هستیم که تا حدود زیادی با جریان‌های تاریخی دوره صفویه هم خوانی دارد. در دوران صفوی نوع پوشش زنان و تزئینات به کاررفته در آن نشان از رتبه اجتماعی آنان بوده و نشان آن در نگاره‌ها قابل مشاهده است. نقش مصورشده زنان در نگاره‌های این دوره بیشتر شامل ندیمه، شاهزاده، مادر شاهزاده، معشوقه و رقاصه هستند. (مروج، کاتب، موسوی لر، ۱۴۰۰، ص ۱۴-۱۳) برخی از زنان تأثیرگذار خاندان صفوی در سده دهم ه. ق ایران، نقش مهمی در پیشرفت هنر در ایران داشتند. آنها موقوفه‌های بسیاری برای مصارف فرهنگی و مذهبی از خود به جای گذاشته‌اند. شاه طهماسب بهرغم اینکه فردی هنرپرور و هنرمند بود، در برهه‌ای از زندگی خویش تغییر رویه داد و به فردی خشن، متعصب و غاصب هنر و هنروری بدل شد. معذالک وضعیت زنان در زمان سلطنت شاه طهماسب اندکی با ادوار پیش از خود متفاوت شد. به‌طور مثال، خواهر شاه طهماسب، سلطان خانم، مشوقی موفق و بسیار تأثیرگذار بود و وی در سال‌های ۹۶۲-۹۶۳ ه. ق، امر وقف به نام چهارده معصوم را رواج داد. همچنین، شاهزاده‌های دیگر نیز از هنر حمایت میکردند. (انصاری یکتا، احمدی پیام، ۱۳۹۳، صص ۷-۸)

شاهنامه زن را آمیخته‌ای از: خردورزی، عفاف و زیارویی می‌داند. این سه خصلت بانوان شاهنامه را از تمامی بانوان حماسه‌ها ممتاز میگرداند و فردوسی، در جای جای اثر خویش این ویژگی‌ها را ستوده است. (بهجت، فرهادی، ۱۳۹۱، ص ۱۸) در شاهنامه قهرمانان برتر مطلق، مردان هستند و به جز کیکاووس و مهرباب کابلی تقریباً هیچیک از آنها تحت تأثیر همسر خویش قرار نمیگیرند. در قسمت اساطیری شاهنامه نه زوج مهم داریم: آبتین و فرانک، مهرباب کابلی و سیندخت، زال و رودابه، کاووس و سودابه، رستم و تهمنه، سیاوش و جریره، سیاوش و فرنگیس، بیژن و منیژه و گشتاسب و کتایون. تمامی زنان این اثر شوهرانشان را دوست میدارند و احترام فراوانی برای آنها قائل هستند. مطیع دستوراتشان هستند و هیچگاه با آنها تندی نمیکنند. (بهجت، فرهادی، ۱۳۹۱، ص ۱۴)

نقش تعدادی از زنان شاهنامه طهماسبی در داستان‌ها

۱- جمشید شاه و دختر زابلستان سمنناز: نقش سمنناز در شاهنامه: فردوسی در معرفی سمنناز ابتدا در ۱۰ بیت به وصف زیبایی او می‌پردازد. سپس در ۱۰ بیت در سه بخش داستان به جنگاوری و مهارت‌های جنگی او اشاره میکند تا بدان جا که مهارت در استفاده از کمان را به رخ جمشیدشاه میکشد. «ازین دو کبوتر شده جفت گیر کدامست رایت که دوزم به تیر». (مروج، کاتب، موسوی لر، ۱۴۰۰، ص ۱۴)

۲- زال و رودابه

نقش رودابه در شاهنامه: در شاهنامه، رودابه تک دختر شاه کابل که زیبا و اصیل و پاک است و خواستگاران زیاد دارد. در تصویر دوم فردوسی می‌گوید که در دشت و صحنه شکار، غلامان زال کنیزان رودابه را میبینند و از طرف زال زر و سیم و گوهر هدیه به شاهدخت کابل رودابه میدهند. فردوسی در تصویر دوم به تعریف از زیبایی و پاکی رودابه، سپس به علاقه و تلاش زال برای دیدن رودابه و رفتن به کاخ میپردازد. بیش از ۴۰ بیت در توصیف احساس عاشقانه زال و رودابه و تلاششان برای وصال است و عنوان میکند که در شب زال با کمند رودابه وارد کاخ شده و دست دردست می‌مینوشند: «گرفت آن زمان دست دستان به دست برفتند هر دو به کردار مست» پس از آن قرار ازدواج را

گذاشتند. در این داستان بیشتر فضای عاشقانه غالب است، گرچه فردوسی در چند جای داستان اشاره به جایگاه رودابه و شاهزاده بودنش میکند. (همان، ۱۴۰۰، ص ۱۵). رودابه با همه شهرتش در میان فارسی زبانان، حضور چشمگیری در شاهنامه ندارد. او رستم را به دنیا می آورد. زنی زایشگر، واسطه ای برای به دنیا آمدن ابر انسانی به نام رستم. ویژگی خاصی از ابر انسانی در او نیست، جز این که بگوییم برای ازدواج با زال که خواست قدرت محسوب می شود سنت شکنی کرد و تمام توان خود را برای رسیدن به این خواست به کار گرفت. (زمانی، ۱۳۹۲، ص ۸)

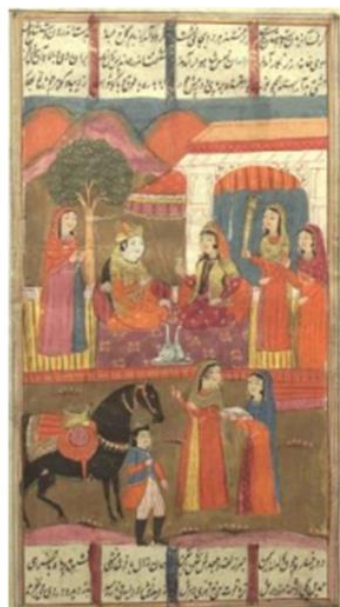
۳- رودابه پس از به دنیا آمدن رستم

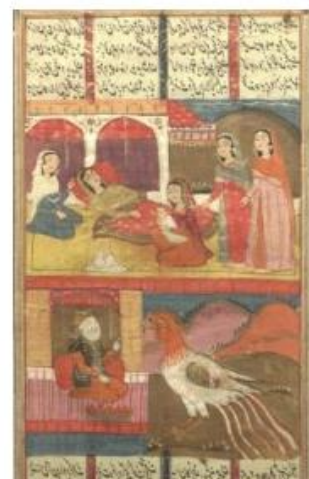
نقش رودابه مادر رستم در شاهنامه: فردوسی از رنج دوران حاملگی رودابه و صبوری او میگوید و شیوه زایمان بسیار پیچیده رودابه و نگرانی سیندخت مادر رودابه را شرح می دهد. (مروج، کاتب، موسوی لر، ۱۴۰۰، ص ۱۶)

۴- اسکندر و قیدافه

نقش قیدافه در شاهنامه: فردوسی قیدافه را زنی خردمند و پاکدامن معرفی میکند که پادشاه کشور اندلس است و سپاهی قوی دارد و اسکندر قصد باج گرفتن و جنگیدن با این زن باهوش را دارد. فردوسی در این داستان در بیش از ۲۰۰ بیت به خردمندی، ذکاوت و توانایی قیدافه در کشورداری اشاره میکند و چندین نقشه زیرکانه او را بازگو میکند. با تدابیر قیدافه اسکندر از جنگ و خونریزی و گرفتن مالیات بیرون می آید. (همان، ۱۴۰۰، ص ۱۶). حضور او در داستان اسکندر رنگ و بوی خاصی به داستان می دهد و نقش او تا آنجا موثر است که بزرگی و قدرت اسکندر را در نظر مخاطب کاهش می دهد. همه اقدامات این زن از دوراندیشی و هوشمندی او سخن می گوید. دستور کشیدن تصویر اسکندر، خلوت کردن با اسکندر و راضی کردن و قول گرفتن از او و نیز اعتماد نکردن به قول اسکندر، از ویژگی های دیگر او قدرتمندی و استواری و اتکا به نفس است که باعث می شود هیچ گاه در برابر اسکندر قدرتمند، احساس خواری و ذلت نکند و با قدرت در برابر بایستد و او را از تصمیمش بازدارد.

نگاره ها





ردیف	نقش زن در شعر	جایگاه زن در صفوی	تصویر زن در نگاره
۱-جمشید شاه سمن ناز	نقش شاهزاده جنگجو فردوسی در حدود ۱۰ بیت به سلحشور بودن سمن ناز پرداخته شده	در دوران صفوی زنان جنگجوی زیادی وجود داشتند که مورخان و سفرنامه نویسان از آن‌ها نام برده‌اند و آنان را مورد ستایش قرار دادند	سمن ناز با تاج و کت و روسری از طلا روبه روی شاه بر تخت نشسته است. ۴ کنیز در تصویر وجود دارد. کنیزی با روسری سفید و بادبزن طلا در سمت راست پایین تر از او کنیزی با روسری طلایی و روبه روی او در سمت شاه قرار دارد همچنین کنیزی با روسری گلدار و پایین تر از او کنیزی با لباسی کاملاً ساده که بخشی از روسری خود را در دست گرفته است.
طبقه اجتماعی و پوشش زنان صفوی در این تصویر به خوبی دیده می‌شود. نگارگر در ترسیم صحنه به متن وفادار بوده و صحنه شکار را که می‌تواند اشاره به جنگجو بودن سمن ناز داشته باشد، به تصویر درآورده است؛ اما در چینش کنیزان و طبقه بندی آن‌ها براساس لباس و طراحی فضای باغ از تخیلات خود و الگوهای تکراری بهره گرفته است. مانند درختان قرینه و هم شکل، تپه‌ای متوالی و رودی که در بالای صحنه قرار دارد، آبنمای پایین نقاشی حضور اسبی در سمت راست که فقط نیمی از آن پیداست.			
۲- زال و رودابه	نقش شاهزاده و معشوقه فردوسی در بیش از ۴۰ بیت از روابط عاشقانه و عشق رودابه به زال و وصف زیبای و پاکدامنی رودابه بیان شده است.	در دوران صفوی روابط عاشقانه و سیاست‌های زنانه برای شاهزاده‌ها به دلیل فضای مذهبی دوره صفوی کمتر مورد توجه بوده است.	رودابه با تاج و کتی از طلا روبه روی شاه بر تخت نشسته است. درحالی که جامی در دست دارد. ۴ کنیز در تصویر وجود دارد. کنیزی با روسری و بادبزن طلا در سمت راست است و پایین تر از او کنیزی با روسری گلدار و روبه روی او در سمت شاه نیز کنیزی با روسری گلدار مشاهده می‌شود و پایین تر از آن‌ها تصویری از دو کنیز یکی روسری طلایی و دیگری با روسری و پیراهنی گلدار که هدیه‌ای در دست دارد، مشاهده می‌شوند. در روبه روی آن‌ها مردی با قامت بسیار کوتاه در کنار اسبش ایستاده که به نظر می‌رسد کوتاه قدی او در برابر اسب و کنیزان عمده باشد.
طبقه اجتماعی زنان به وسیله پوشش آن‌ها نشان داده شده است. هنرمند بنابر تصمیم خود دو داستان را در یک صفحه گنجانده است. نگارگر در ترسیم صحنه تاحدودی به متن وفادار بوده و صحنه عاشقانه و می‌گساری را به تصویر درآورده است؛ اما بنابر جامعه صفوی که همواره زنان دربار باید در حرمت به سر می‌بردند، رودابه را در کاخ و شاهزاده را در فضای بیرونی ترسیم کرده است همچنین در چینش کنیزان و طبقه بندی آن‌ها براساس لباس و طراحی فضای باغ و کاخ از تخیلات خود و الگوهای تکراری بهره گرفته است؛ مانند کوه‌های رنگی خیمه و تک درخت پشت سر زال. در تصویر پایینی نگارگر نیک غلام کوتاه‌قد را در کنار اسبش در سمت راست کادر قرار می‌دهد. در داستان از چند غلام صحبت شده است اما در این تصویر تنها یک غلام ترسیم شده است. نکته دیگر اینکه فردوسی فضای صحنه پایینی را دشت زیبا و شکارگاه توصیف کرده است.			
۳- به دنیا آمدن رستم	نقش مادر فردوسی در حدود ۱۶ بیت از صبوری و شرایط سخت رودابه در حاملگی و زایمان گفته است.	در دوره صفوی شاهان به نقش مادر بسیار توجه داشتند تا آنجا که هر کنیزی فرزندی به دنیا می‌آورد،	در تصویر بالا فضا به دو قسمت اندرونی و بیرونی تقسیم شده است. نگارگر لحظه‌ای را ترسیم کرده است که رودابه به هوش آمده، کنار او کنیزی قرار دارد و هر دو در فضای اندرونی هستند. در کنار رودابه که خوابیده سیندخت مادر رودابه درحالی که رستم را در آغوش دارد و دو کنیز رد پشت سر او قرار دارند، به تصویر

		صاحب عمارت و خدمه می‌شد یا بارها در سفرنامه‌ها توجه شاهان به مادرشان نوشته شده است گاهی زمام امور در دستان مادران بوده است.	کشیده سیندخت و کنیزان در فضای بیرونی نقاشی شده‌اند. فضای این نگاره کاملاً زنانه است بدون حضور هیچ مردی.
رودابه شاهدخت در نقش مادر با روسری طلایی نشان داده شده است. سیندخت همسر شاه کابل درحالی‌که کنار رودابه نشسته، رستم را در آغوش دارد و روسری گل‌داری پوشیده است. ۳ کنیز یکی بالای سر رودابه و ۲ کنیز دیگر در پایین پای رودابه پشت سر سیندخت قرار گرفته‌اند. پوشش هر سه ساده و با رنگ‌های مختلف است. نگارگر در این نگاره توجه زیادی به طبقه اجتماعی نکرده است نقاش وفادار به متن بوده است همچنین در چینش کنیزان و طبقه‌بندی آن‌ها براساس لباس و طراحی فضای باغ و کاخ از تخیلات خود و الگوهای تکراری بهره گرفته است.			
۴- اسکندر و قیدافه	نقش پادشاه فردوسی در بیش از ۱۰۰ بیت به تدبیر و زیرکی پادشاهی و کشورداری قیدافه پرداخته شده	در این دوره زنان پادشاه نبوده‌اند اما زنانی مانند تاجلو خانم همسر شاه اسماعیل در تمام امور کشور دخالت داشته است.	نگارگر تصویر قیدافه با تاج و جلیقه‌ای از طلا در سمت چپ در کاخ درحالی‌که بر تخت نشسته نشان می‌دهد گویا در حال سخن گفتن است این در حالی است که کنیزی با بادبزن طلایی و پوششی ساده در پشت سر او قرار دارد. در سمت راست تصویر دو کنیز روبروی اسکندر قرار دارند که یکی جلوتر از دیگری با روسری طلایی ایستاده و تصویر نقاشی‌شده اسکندر را به او نشان می‌دهد و کنیز دیگر پایین‌تر از او با لباسی ساده ایستاده است.
نگارگر در ترسیم صحنه تاحدودی به متن وفادار بوده و صحنه نشان دادن نقاشی به اسکندر را نشان می‌دهد و هوش و تدبیر و عظمت قیدافه را به تصویر درآورده است. اما در جامعه صفوی که همواره زنان دربار باید در حرمسرا به سر می‌بردند، قیدافه را در کاخ و شاهزاده را در فضای بیرونی ترسیم کرده است. همچنین در چینش کنیزان و طبقه‌بندی آن‌ها براساس لباس و طراحی فضای باغ و کاخ از تخیلات خود و الگوهای تکراری بهره گرفته است. فردوسی در چندین بیت درباره زیبایی و منحصر به فرد بودن کاخ قیدافه صحبت کرده است که در اینجا فقط از الگوهای تکراری برای نمایش کاخ استفاده شده است. نگارگر تصویر قیدافه با تاج روسری و جلیقه‌ای از طلا در سمت چپ در کاخ درحالی‌که بر تخت نشسته نشان می‌دهد گویا در حال سخن گفتن است این در حالی است که کنیزی با بادبزن طلایی و پوششی ساده در پشت سر او قرار دارد. در سمت راست تصویر دو کنیز در روبروی اسکندر قرار دارند که یکی جلوتر از دیگری با روسری طلایی ایستاده و تصویر نقاشی‌شده اسکندر را به او نشان می‌دهد. و کنیز دیگر پایین‌تر از او با لباسی ساده ایستاده است. بدین ترتیب طبقه اجتماعی زنان به وسیله پوشش آن‌ها نشان داده شده است			

«یک نکته مهم اساسی که توجه به آن برای هرگونه قضاوت درباره این موضوع ضروری است و تا حدی بعضی مبالغه‌ها را در مورد مقام زن تعدیل میکند این است که فضای داستانی شاهنامه فضایی اشرافی و نژادپرستانه است. در چنین فضایی، تعادل و تناسب ارزش زن و مرد همواره بیش از سطح اجتماع عموم بوده است. در اماکن اشرافی همچون دربارها و کاخ‌ها، به خاطر عزتی که زنان، ناگزیر به عنوان شاه دخت یا موقعیتی مانند آن داشته‌اند این امکان کمتر بوده است که به اندازه زنان طبقه عوام مورد تحقیر قرار بگیرند. بنابراین نسبت به طبقه عوام، در سطح بالاتری قرار داشته‌اند و این امکان بیشتر وجود داشته که آنان تا حدی به نوعی خودباوری برسند که به انجام اعمالی در حد مردان اقدام کنند». (پورمجیدی فتح، درخوش، ۱۴۰۱، ص ۴)

۱۴

پوشش زنان شاهنامه طهماسبی

پوشش زنان صفوی را به طور کلی میتوان تشکیل شده از تنپوش‌های چندلایه و دوخته شده دانست. انواع پوشش سر، زیورآلات و جواهر را نیز مورد استفاده قرار می‌دادند. لباس‌ها در اوایل دوره صفوی، همچنان سبک دوره تیموری را یادآوری میکردند. در دوران شاه عباس اول، زنان انواع زیرپوش‌های راه راه یا چهارخانه نازک به تن میکردند و پیراهن‌ها را با شلوارهای ساده یا راه راه، که تا زمین میرسید، میپوشیدند. «تاورنیه نیز در این باره مینویسد: بالاتنه و پایین تنه لباس زنان ایرانی جدا نیست. روی هم و یکسره است و با لباس مردان فرقی ندارد. از جلو باز و از ماهیچه پا به پایین تجاوز نمیکند. کمرشان را تنگ نمیندند، آستینشان به دست و بازو چسبیده و به پشت دست میرسند. بلندی شلوار زنان همچون مردان تا پاشنه پا میرسند. کفش زنان ایرانی با کفش مردان فرقی ندارد و رنگ آن خصوصاً سبز، قرمز، زرد و بنفش است» بالاپوش بلند، که تا پاشنه پا میرسید، سه نوع آستین داشت. آستین کوتاه، آستین بلند و آستینی که قسمتی از بازو را میپوشاند و ادامه آن از پشت به لباس وصل بوده است و آویزان و پیراهنی دیگر که از جنسی لطیفتر بوده است و از زیر لباس‌ها به تن میکردند. پیشانی بند، که بر روی پیشانی میبستند، تاج و نیمتاج، که زنان ثروتمند و شاهزاده‌ها به سر میگذاشتند، و کلاه کوچکی که گاه از زیر روسری بر سر میگذاشتند نیز از پوشش‌های سر آن دوران به حساب می‌آید. (انصاری یکتا، احمدی پیام، ۱۳۹۳، صص ۱۱-۱۰) «شاردن» درباره پوشاک زنان صفوی بازگو میکند که «پوشاک ایرانی قد و قامت را بلندتر از پوشاک ما اروپاییان نشان میدهد. پیراهن را قمیص می‌خوانند از جلو تا ناف باز است. بالا پوشهای بانوان تا پاشنه پا می‌رسد و بلندتر از کلیجه‌های مردان است. کمربندهای بانوان باریک است و به اندازه یک شصت پهنا دارد. زنان با نیم چکمه‌ای پای خود را میپوشاند که تا چهار انگشت بالاتر از قوزک میرسد». (فطرتی باسمنج، شکرپور، ۱۴۰۲، ص ۷)

رسم کلی لباس پوشیدن آن بود که مردم تا حد امکان لباس‌های گرانبه‌تر می‌پوشیدند، در نوع آرایش‌ها و لباس‌ها و زیورآلات در آثار نقاشی این دوره تزئینات فراوان به کار برده شده است. با این حال روسری‌هایی که با طرح‌های سنتی مانند بته جقه تزئین شده بود، بیشتر مورد استفاده قرار میگرفت. رشته‌های مرواریدی برای زیورآلات استفاده می‌شد. این رشته‌ها بر پیشانی نصب می‌شد و در زیر چانه، به هم وصل می‌شدند. معمولاً رسم آن بود که پارچه مورد استفاده در لباس زنان نسبت به مردان اعلا تر و مرغوب تر باشد. (تولایی، شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۵)

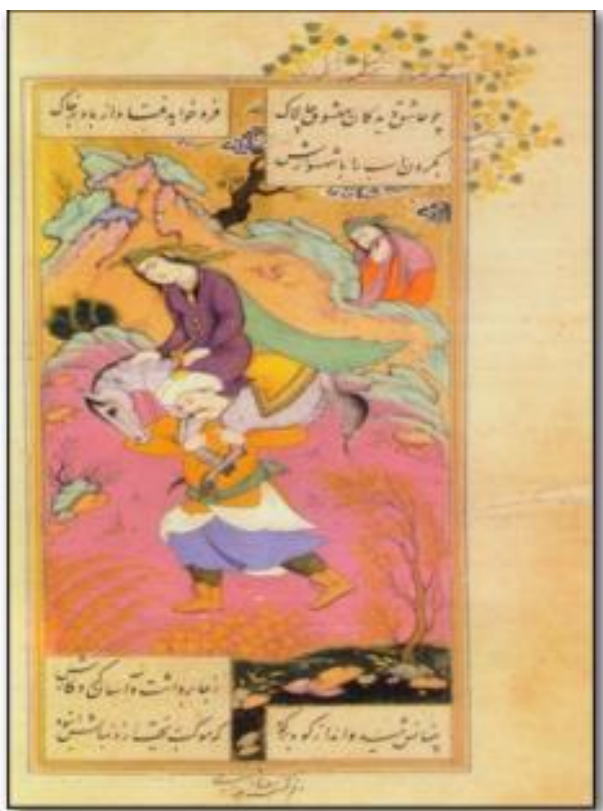
رنگ‌های استفاده شده در پوشاک زنان شاهنامه طهماسبی

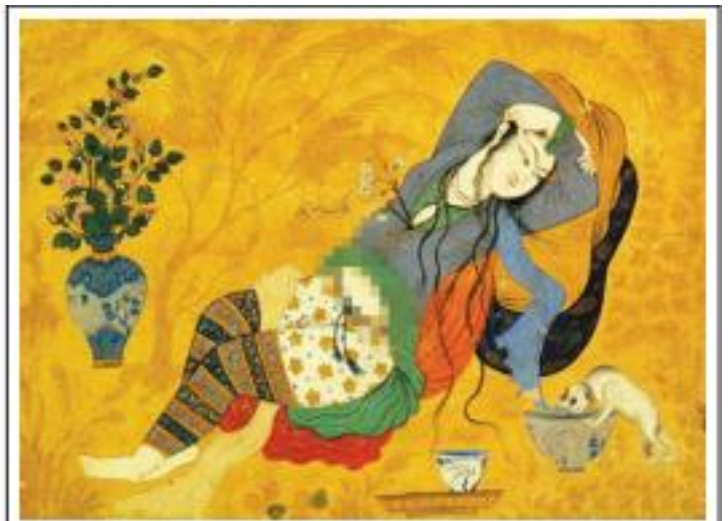
«فابر بیرن»، رنگشناس آمریکایی، عقیده دارد اگر افراد به یک یا چند رنگ علاقه داشته باشند نشان‌دهنده وضعیت شخصیتی سالم است و اگر افراد نسبت به یک یا چند رنگ در مواجهه با آن از خود بیشتر واکنش

نشان دهند و یا افراد در خصوص رنگ ابراز تنفر کنند، در هر دو حالت گفته شده افراد دارای شخصیت نامتعادل هستند. با استفاده از رنگ میتوان شخصیت فرد تشخیص داد، زیرا هر رنگ دارای مفهوم مشخصی است که بر روان انسان تأثیر میگذارد. با در نظر گرفتن این مسأله میتوان با انجام آزمایش‌هایی رنگی شخصیت افراد را از طریق تحلیل حالت‌های عاطفی و طرز تفکر ذهنی مورد بررسی قرار داد. (فطرتی باسمنج، شکرپور، ۱۴۰۲، صص ۶-۷) تصاویر ۸-۷-۶-۵

رابطه رنگ لباس‌ها با جایگاه زنان

در دوران صفوی، نوع پوشش زنان و تزیینات به کار رفته در آن نشان از جایگاه اجتماعی بوده و نمود آن در نگاره‌ها قابل مشاهده است. تصویر نقاشی شده زنان در نگاره‌های این دوره بیشتر شامل ندیمه، شاهزاده، عاشق و رقاص هستند. لباس پادشاهان اغلب با رنگ‌های گرم همچون قرمز و طلایی نشان داده شده است و این میتواند بیانگر قدرت، غرور و عظمت باشد. از رنگهای زرد و سبز بیشتر برای لباس زنان بهره گرفته شده است که میتوان اظهار کرد این رنگها نشان از پاکی و طینت زیبایی هستند و نقاش برای بیان این صفات در لباس زنان از نگاره‌های مورد مطالعه بهره برده است. در کل میتوان گفت که هنرمند صفوی با تکیه بررنگ شناسی، ترکیب بندی رنگی و همینطور آگاهی از بیان مفهوم روانی رنگ‌ها برای رنگ آمیزی لباس زنان بهره جسته است. (همان، ۱۴۰۲، ص ۱۶) تصاویر ۱۲-۱۱-۱۰-۹





تاریخچه پوشش

لباس، اگرچه ابتدا به عنوان پوشش محافظ فیزیکی انسان در محیط تعریف می شود اما واقعیت این است که لباس، زبانی گویا، پیام رسانی سریع، در ارتباطات انسانی است. ماهیت نمادین لباس و بار فرهنگی، حساسیت در حوزه های هویتی تهاجم فرهنگی، جایگاه خاصی برای مبحث طراحی لباس، در دیدگاه فرهنگ به وجود می آورد. (رمضان خواه، ۱۳۹۵، ص ۲)

لباس مهمانی

اولین فکری که بعد از دریافت دعوتنامه مهمانی به ذهن هر بانویی خطور می کند درباره لباس است. لباسی نیاز داریم که چشم نواز و مد روز باشد. باید متناسب با اندام باشد تا ظاهر را شکل تر نشان دهد. لباس مهمانی رسمی با دوستانه متفاوت است و باید این را در نظر گرفت در چه مراسمی شرکت می کنید.

طراحی لباس مهمانی

لباس ها با استفاده از المان های مختلف لباس زنان دوره صفوی طراحی شده است. مانند طرح کمربندی روی لباس بسته میشد، چین و شکن های لباس، فرم ضربدری یقه، فرم ریزش پارچه و...



طرح نهایی



نتیجه گیری

تاریخ نگاران عصر صفویه علاوه بر ذکر عملکرد شاهان صفوی در قبال هویت ایرانی، خود نیز در در شرح و بیان روایات و وقایع تاریخی و متناسب با موقعیت‌های کلامی خود با هدف نمایاندن عناصر هویت بخش ایرانی از اسطوره‌های شاهنامه به اشکال گوناگون بهره برده‌اند. علاوه بر این شاهان صفوی از جمله شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب به علت علاقه زیاد به هنر و هنرمند و حمایت از آنها باعث رونق و گسترش آن در عصر صفوی شدند. بررسی نقش زنان در شاهنامه نشان می‌دهد که زنان در برخی داستان‌ها تنها حضور دارند و نقش فعال یا موثری ندارند و در برخی دیگر علاوه بر حضور مهم و تاثیر گذاری، گاهی محور اصلی وقوع اتفاقات و جریانات اصلی داستان می‌شوند. تلقی و حضور و نقش زنان در آثار ادبی متفاوت است. نقش زنان متأثر از نوع ادبی اثر است. با توجه به نوع ادبی شاهنامه، نقش زن اغلب تاریخی است. در سخن پایانی به نظر می‌رسد که با استناد به مفاهیم دریافتی از تحلیل نگاره‌ها منتخب و متون روایی دوره صفوی، زنان در این دوران از جایگاه ویژه اجتماعی برخوردار بوده و از همین رو زن جایگاه ویژه‌ای برای نگارگر شاهنامه ۹۴۸ ه. ق. ۱۵۴۰ م نیز داشته است. زیرا در تمام نگاره‌ها شاهدخت یا ملکه، پوشش متفاوت از طلا دارند و بر تخت نشسته‌اند. کنیزان در یک رتبه قرار دارند زیرا با پوشش یکسان در رنگ‌های متفاوت ترسیم شده‌اند، بنابراین به نظر می‌رسد تصاویر زنان بر اساس نقش و جایگاه و موقعیت اجتماعی شان انتخاب شده‌اند. در کمتر نسخه‌ای از شاهنامه‌های دوره صفوی حضور زنان تا این حد پر رنگ دیده شده است. با استفاده از تصاویر بررسی شده زنان شاهنامه طهماسبی و الهام از قسمت‌هایی از البسه آنها لباسی مدرن و امروزی طراحی شده است. طراحی‌های انجام شده نه تنها باعث احیا و تکرار دوباره فرهنگ و تاریخ ایرانی می‌گردد، بلکه سبب نوآوری جدیدی از لباس‌های زنان شاهنامه صفوی می‌شود و این بازسازی، ارزش زن را در تمدن غنی ایران بیشتر نمایان می‌کند.

منابع

- فطرتی باسمنج، سجاد و شکرپور، شهریار، (۱۴۰۲). روانشناسی رنگ لباس زنان در نگاره‌های منتخب از «شاهنامه طهماسبی» براساس نظریه «مارکس لوشر»، فصلنامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز
- رمضان خواه، مهدیه، (۱۳۹۵). آسیب شناسی طراحی لباس بر پایه‌ی مد غربی، مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت
- تولایی، ندا و شیرازی، ماه منیر، (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی بازنمایی زنان در مکتب اصفهان دوره صفوی با پیکره نگاری دربار قاجار، فصلنامه علمی - پژوهشی هنرهای تجسمی نقش مایه، سال هشتم، شماره نوزدهم
- انصاری یکتا، مریم و احمدی پیام، رضوان، (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویر شده در شاهنامه بایسنقری و طهماسبی - آفرین، فریده، (۱۳۹۲). نگره مولف و آثار کمال الدین بهزاد و رضا عباسی، فصلنامه علمی - پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر
- صالحی کیا، مریم و شاطری میترا، (۱۳۹۸). سیر تحول کتیبه نگاری در بناهای سلطنتی از اواخر دوره ایلخانی تا اوایل صفوی بر اساس نگاره‌ای سه نسخه شاخص شاهنامه فردوسی، فصلنامه علمی پژوهش‌های باستان شناسی ایران
- نقی، حسین علی، (۱۳۹۰). تحلیل شخصیت و نقش زنان در داستان‌های شاهنامه
- پور مجیدی فتح، مهدی و درخوش، سید فایض، (۱۴۰۱). نقش آفرینی زنان شاهنامه
- بهجت، حمیده و فرهادی، فرحناز، (۱۳۹۱). مقایسه تحلیلی نقش شاهنامه و نیبلونگن، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) علمی - پژوهشی سال پنجم - شماره سوم
- قدیانی، مهدی، (۱۳۹۹). بررسی شخصیت فتن در شاهنامه فردوسی و شباهت آنان با زنان اغواگر سینما نوآر

- جلیلی جشن آبادی، صغری، (۱۳۹۶). بررسی بلاغی گفتگوهای زنان در شاهنامه فردوسی، دومین کنفرانس بین المللی ادبیات و زبان شناسی
- کزازی، میر جلال الدین و کریمی، احمد و ابراهیمیان، نادر، (۱۳۹۱). بررسی مقام چهره زنان در شاهنامه و ایلید
- زمانی، فاطمه، (۱۳۹۲). زن و ابر انسان در نگاه نیچه و تطبیق آن با زنان شاهنامه
- محمدزاده، فرشته، (۱۳۹۲). شاهنامه نمودی از هویت جویی ایرانی در عصر صفویه
- مروج، الهه و کاتب، فاطمه و موسوی لر، اشرف السادات، (۱۴۰۰). خوانش شخصیت زنان عامیانه ۹۴۸ ه.ق | ۱۵۴۰ م مکتب تبریز ۲ با روش پانوفسکی، نشریه مطالعات هنر اسلامی
- یحیی پور، مرضیه و نوروژی، مهناز، (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی سیمای زنان در شاهنامه فردوسی و جنگ و صلح تولستوی، پژوهشنامه علوم انسانی: شماره ۵۴